



جلد اول | ایمان

اسلام ناب

خلاصه کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»



ای ملت اسلام! خدا شما را مثل دردانه‌های نازپرورده‌ای جدا نکرده که اگر گناه و اشتباه هم کردید به بهشت ببرد. این نگاه یهود هم بود؛ دوستی و ولایت در گرو عمل به فرمان خداست. مسلمانان هرچند شایسته‌ترین اند، اما اگر بار امانت را برندارند، در دنیا مورد خواری و خشم خدا قرار گرفته و در آخرت هم جهنم برایشان برپا می‌شود. شبیه آنچه برای بنی اسرائیل رفت. مسئول مستقیم شما پیغمبر است و مسئول همه بشریت شماست. شما دیده بان قافله‌اید! خواب ننماید و جز خدا از هیچ قدرت دیگری نترسید.



روزی که شروع کردیم و هفته ای یک بار دور هم جمع شدیم برای خواندن کتاب؛ هیچ وقت فکر نمی‌کردیم بتوانیم کتاب را تمام کنیم. یعنی ۲۸ هفته که بیش از ۶ ماه طول کشید دور هم جمع شویم و کتاب را مباحثه کنیم. جلساتی که بسیار راحت سوالاتمان را مطرح کردیم و پاسخ گرفتیم.

کتاب ولی آنقدر برایمان جذاب و دوست داشتنی بود که برای بیشتر خوانده شدنش، چند هفته ی دیگر هم دور هم جمع شدیم و آن را خلاصه کردیم تا تعداد افراد بیشتری بتوانند از چشمه ی جوشان معرفتی کتاب سیراب شوند.

این جزوه حاصل چند هفته خوانش و چند هفته خلاصه کردن متن کتاب شریف «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» است. در خلاصه سازی سعی بر این شد تا عبارات و جملات تغییر نکند تا فضا و حال و هوای سخنرانی حفظ شود.

امید است تا خواندن این جزوات مخاطب را به سمت خواندن اصل کتاب سوق دهد.

**پیشکش به آستان مقدس حضرت زهرا(س)
به امید گوشه چشمی**



فهم صحیح از مفاهیم اساسی دین



ما بواسطه عدم توجه صحیح به قرآن، بسیاری از مفاهیم دینی را درست متوجه نشده ایم. در روزگار ما تدبر در آیات قرآن جای خود را به قرائت و تلاوتی سطحی و سرسری و فاقد نتیجه و ثواب دنیوی و یکسره برای پاداش و جزای اخروی داده و کتاب کریم الهی دستمایه ی عوام فریبی ها شده است. برای روشن شدن موضوع در اینجا به چند مفهوم قرآنی که از مفاهیم اساسی دین هم هستند و در زمان ما به درستی فهمیده نشده اشاره می کنیم:

تقوا

فرض کنید کسی بخواهد یک بیمار مبتلا به وبا را نجات دهد - یعنی بجای فرار از بیماری سعی در نجات او داشته باشد - اگر همواره بترسد که مبادا این میکروب در جسم او اثر بگذارد، این چطور می تواند آن بیمار را نجات بدهد؟ باید از خودش خاطر جمع باشد و بعد وارد منطقه ی وبازده بشود و دیگران را نجات بدهد. تقوا همین است.

تقوا همیشه برای ما به معنی گوشه گیری و جدایی از جامعه تعریف گردیده، در صورتیکه تقوا در مفهوم اصیل خود بدان معناست که، آن تجهیز لازم و آن زره لازم را در مقابل آسیب گناه بر تن کنی، برای گرفتن دست گناهکاران. آن وقت است که به پیروزی هم خواهد رسید: فاتقوا الله لعلکم تفلحون

رحمت الهی

اطيعوا الله و الرسول لعلکم ترحمون؛ حرف معمول اجتماع و مردم ما این است که آنجایی که ما عمل نکردیم، نافرمانی کردیم، مسئولیت و تعهد الهی را ملاحظه نداشتیم، در چنین صورتی میگوییم خدا رحمان کند. رحم خدا را رقیب و جایگزین عمل می کنیم. آیه ی قرآن به عکس است. میگوید: عمل کنید، اطاعت

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



تقوا همیشه
برای ما به معنی
گوشه گیری و
جدایی از جامعه
تعریف گردیده،
در صورتیکه
تقوا در مفهوم
اصیل خود بدان
معناست که، آن
تجهیز لازم و آن
زره لازم را در
مقابل آسیب گناه
بر تن کنی، برای
گرفتن دست
گناهکاران.

کنید، شاید مورد رحمت پروردگار قرار بگیرید. رحمت خدا آن وقتی است که یک ملتی به مسئولیتش عمل کند. چرا میگوید اطیعوا الله و الرسول؟ چرا فقط نمیگوید اطیعوا الله؟ پیغمبر را به عنوان مصداق و نمونه ای ذکر میکند. چرا که آن کسانی هم که در نقطه ی مقابل پیغمبر قرار دارند ممکن است ادعا کنند ما داریم از خدا اطاعت میکنیم. اطاعت از پیغمبر در واقع معیار ادعای اطاعت از خداست.

اگر یک جمعیتی به این صورت تحت فرمان خدا قرار گرفتند، آن وقت است که شامل رحمت پروردگار و لطف بی نهایت او خواهد شد. آن وقت است که یک ملت به رشد انسانی می رسد و امید است، رحمت الهی شامل حال او می شود.

مغفرت

این هم از مفاهیمی است که ما درست آن را نفهمیده ایم. فلان کس ظلم کرده، خیانت کرده، در زمین فساد آفریده؛ بعد در روز قیامت به خاطر قطره اشکی که او داشته یا توجه و توسلی که او کرده خدا بگوید خیلی خوب! ما از سر خطایای تو گذشتیم. مغفرت الهی این است؟ مغفرت این نیست که خدای متعال بی حساب، از روی دلبخواه، یک کسی را مورد لطف بی جایی قرار بدهد، بدون اینکه خود او کوششی در این راه کرده باشد. توبه یعنی برگشتن؛ ایمان خود را قوی کردن و انجام عمل صالح. نباید از عمل غافل بود و به سخن داشتن و دل

خوش داشتن خود بسنده کرد. خدای متعال نمیگوید چون تو گناه کردی حالا هر چه کار نیک بکنی ما آن گناه را از بین نخواهیم برد، لجاجت نمیکنند. میگوید ما حاضریم از آن اشتباهات صرف نظر کنیم در صورتی که جبران شود: و سارعوا الی مغفره من ربکم و جنبه عرضها السماوات و الارض اعدت للمتقین

❁ انفاق

انفاق با خرج کردن فرق دارد. انفاق آن خرج کردنی است که با آن یک خلاء پر شود؛ یک نیاز واقعی برآورده شود. انفاق کار مردم باهوش است، آنهایی که خلاها و نیازها را میفهمند و حاضر میشوند به جبران آنها و نیازها را پر کنند. بنابراین ما در فهم مفاهیم اسلامی از آیات قرآن بسیار دور هستیم. باید در استنباط و فهم اصول اسلامی، مدارک و متون اساسی دین، اصل و منبع باشد نه سلیقه ها و نظرهای شخصی یا اندوخته های ذهن و فکر این و آن. قرآن کاملترین و موثق ترین سندی است که می توان به آن متکی شد. اما یکی از مهمترین و پایه ای ترین اصل در بین این مفاهیم «ایمان» است که در ادامه مباحث به آن خواهیم پرداخت.

ایمان حقیقی، روح معارف اسلام



ایمان، این گروه قلبی، وابستگی فکری و اعتقادی و روانی به یک مطلب، به یک شخص به یک قطب و مرکز، تنها به همین خلاصه نمی شود که در قلب، انسان این گرایش را داشته باشد. ایمان راستین آن وقتی در کسی وجود دارد که براساس آن ایمان عمل کند و به لوازم و تعهدات ایمان پایبند باشد. کسی می تواند بگوید مومن است که متن زندگی اش با فرد بی ایمان متفاوت باشد. فرد مومن و با ایمان ویژگی های منحصر به فردی دارد که مهمترین آنها شامل موارد زیر است؛

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



معنی درست
توکل این است
که با شدت عمل
کنید، از مشکلات
نترسید، یعنی در
مقابل بحران‌هایی
که در مسیر عمل
با آن مواجه می
شوید کم نیاورید و
به خدا توکل کنید.
جامعه ای که از
قدرت‌های بین
المللی می ترسد
و در مقابل آنها
عمل نمی کند و
مقاومت نمی کند
توکل ندارد.



(صفات مومنان و شرایط ایمان براساس آیات ۴ تا ۲۲ سوره مبارکه انفال)

۱. در مقابل آیات خدا خضوع دارد و می داند که در برابر خدا کوچک است و باید از او اطاعت کند و عمل کند. وقتی که یاد خدا به میان بیاید، آن حالت هیبت و خشیت بوجود بیاید. خدا برای انسان از صورت بازیچه بیرون می آید. نام خدا از صورت یک ذکر اعتیادگونه خارج می شود.

۲. ایمان به صورت آب را کد در وجود یک مومن معنا ندارد. مومن واقعی با شنیدن آیات خدا و تدبیر در آنها ایمانش زیاد می شود. قرآن کتابی است که باید آن را به قصد فهمیدن و فهمیدن به قصد افزوده تر شدن و نیرومند شدن ایمان خواند. قرآن کتاب رمز نیست و می توان آن را فهمید.

۳. توکل به خدا سومین ویژگی مومن است. توکل یک معنی درست و یک معنی غلط دارد. معنی غلط توکل، توکل رکودآور است. توکلی که منجر به بی عملی شود وجود ندارد. توکلی که منجر به حرف قوم موسی شود که به موسی می گویند تو و پروردگارت به تنهایی بجنگید اشتباه است. معنی درست توکل این است که با شدت عمل کنید، از مشکلات نترسید، یعنی در مقابل بحران‌هایی که در مسیر عمل با آن مواجه می شوید کم نیاورید و به خدا توکل کنید. جامعه ای که از قدرت‌های بین المللی می ترسد و در مقابل آنها عمل نمی کند و مقاومت نمی کند توکل ندارد. فردی که در مقابل

مشکلات عمل دست به بی عملی می زند توکل ندارد.

۴. چهارمین ویژگی مومن به پاداشتن نماز است که سه معنی دارد. معنی اول خواندن نماز به صورت کامل و درست است. معنی دوم اقامه نماز در جامعه و نمازخواندن کردن جامعه است و معنی سوم نیز ایجاد جامعه است که عبودیت خدا می کند. جامعه ای که از سردمداران فساد و دنباله روان فساد تبری می جوید جامعه ای است که عبودیت خدا می کند.

۵. مومن انفاق می کند و انفاق یعنی پرکردن خلا. گاهی به صورت مالی و یا به صورت های دیگر. انفاق یعنی رفع کردن نیاز جامعه برای رسیدن به هدفش. جامعه مومن، جامعه ای است که این ۵ صفت را دارد.

ایمان از روی آگاهی



ایمان دوجور است. يك جور ایمان مقلدانه و متعصبانه. همان طور که بچه، بدون هیچ زحمتی و شاگرد، بدون هیچ گونه تلاشی، از پدر و مادر یا اولیای مدرسه اش يك ایمانی را مفت گرفت، به همین صورت هم دزدان ایمان، به راحتی این ایمان را از او می گیرند. ایمان وقتی از روی تقلید و تعصب بود، زائل شدنش هم مانند کسب خود ایمان تقلیدی، آسان است.

آن ایمانی که برای نگه داشتنش باید به فلان مسلمان بگوییم روزنامه نخواند، فلان کتاب را نخواند، در کوچه بازار راه نرود، با فلان کس حرف نزند، سرما و گرما نخورد، آفتاب و مهتاب نبیند؛ این ایمان متأسفانه نخواهد ماند. در اسلام ایمان مقلدانه و متعصبانه (تعصب یعنی جانبداری بدون دلیل، جانبداری از روی احساس نه از روی منطق) ارزشی ندارد.

اگر ایمان از روی روشنی، از روی درك، از روی فکر و با محاسبه های صحیح شکل گرفت، آن وقت لازم نیست ما این ایمان را در پارچه و در کهنه و در صندوقچه و در

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



آن ایمانی که برای
نگه داشتنش باید
به فلان مسلمان
بگوییم روزنامه
نخواند، فلان
کتاب را نخواند،
در کوچه بازار راه
نرود، با فلان کس
حرف نزند، سرما
و گرما نخورد،
آفتاب و مهتاب
نبیند؛ این ایمان
متأسفانه نخواهد
ماند. در اسلام
ایمان مقلدانه و
متعصبانه ارزشی
ندارد.

صندوق خانه بگذاریم که مبادا گرما و سرما و گردوخاک
و غبار به آن آسیب برساند.

اگر بخواهیم ایمان از جنس آگاهانه باشد، باید دائماً
به افراد جامعه مومن آگاهی بدهیم. از آگاه شدن آنها
واهمه نکنیم، از چشم و گوش بسته ماندن ایشان لذت
نبریم.

نکته‌ای که در اینجا می‌شود به آن اشاره کرد فرق میان
رهبران الهی و دیگر رهبران سیاستمدار جهانی در این
مسیر است: رهبر الهی مانند رهرو این راه، به آنچه می
گوید، به گامی که بر می‌دارد، به راهی که می‌پیماید،
با همه وجودش صمیمانه مؤمن است. در حالی که
سیاستمداران عالم، ممکن است سخنان زیبایی و بیانات
دلکش و شیوایی داشته باشند، اما به آنچه می‌گویند،
ایمان، یا ایمان به قدر لازم ندارند.

معنی ندارد که من پای قله کوه بخوابم، بعد به شما
بگویم بالای آن کوه یک آب خوشگوار است، بروید،
شتابان باشید. اما خود من از اینجا جنب نخورم. حق
دارند همه بگویند اگر راست می‌گفتی، اگر از وجود
چشمه خوشگوار خبر داشتی، خودت حرکت می‌کردی.
پس دروغ می‌گویی و به آنچه می‌گویی معتقد نیستی.
اما پیغمبران و رهبران الهی به آنچه مردم را به آن دعوت
کرده‌اند، خود پیش از همه، شتابان رسیده‌اند.

پیغمبر اکرم (ص) در مهم‌ترین و خطرناک‌ترین حادثه‌های
صدر اسلام خودش جلودار بود. درست است که عبدالله
مسعود کتک می‌خورد، درست است که عمار یاسر زیر

شکنجه می افتاد، اما شکنجه خود پیغمبر از اینها کمتر نبود که بیشتر بود. قرآن می فرماید: ایمان آورده است پیامبر به آنچه نازل شده است به سوی او از پروردگارش (بقره/ ۲۸۵) و مؤمنان و گرویدگان به او، آن افراد برجسته ای که پیرامون او را گرفتند و بلندگوهای دعوت او شدند نیز به خدا و فرشتگان خدا و کتاب های آسمانی از آغاز تا انجام یکسره، و همه پیامبران او ایمان آوردند و باورشان شد. اینها می گویند «سمعنا» (سمع در عربی یعنی علاوه بر آنکه شنیدیم، با تمام وجود فهمیدیم و درک کردیم و نوشیدیم) ما با تمام وجود فهمیدیم آنچه را که خدا برای ما معین کرده و فرستاده بود. و «اطعنا» و اطاعت کردیم. یعنی اطاعت ما کورکورانه نبود، اطاعت ما از روی روشنی و آگاهی و سمع بود.

ایمان زاینده همراه با تعهدات عملی



ایمان قلبی خشک و خالی که در جوارح و اعضای مومن مشهود نباشد، ارزشمند نیست. ابلیس سالیان دراز خدا را عبادت می کرد و دلش کانون معرفت خدا بود اما در بزنگاه، در هنگام تعیین راه حل نهایی این ایمان به کار ابلیس نیامد. کسانی که فرض می کنند ایمان یک چیزی است برای منطقه قلب آدمی و اگر انسان به لوازم و تعهدات ایمان هم پایبند نباشد باز در جمع مومنین است، یا کسانی که خیال می کنند بدون مجاهدت بهشت را به آدمی می دهند یا حکومت روی زمین را به یک امر قلبی می دهند، باید در قرآن بیشتر تدبیر کنند. عمل در تلازم با ایمان است.

اگر تصدیق و پذیرش در صدق کلمه ایمان کافی بود که اول مومن به پیغمبر ابولهب و اول شیعه به امیرالمومنین، عمروعاص بود. چون اینها به خوبی می فهمیدند که پیغمبر دروغ نمی گوید. عمروعاص هنگام مرگ اظهار ندامت میکرد، اما او شیعه نیست. چون لازمه تعهد به امامت امام علی(ع)، بیعت نکردن با معاویه است. ایمان تعهدآور است.

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



در این باره قرآن می‌گوید «انتم الاعلون ان کنتم مومنین» اگر می‌بینید مومنین برتر نیستند بواسطه آنست که ایمانشان با عمل همراه نیست. اگر ایمان با تعهد و عمل همراه نبود منتظر نتیجه هایش هم نباش. منتظر نصرت در دنیا نباش. امنیت در دنیا نباش. بندگانهای بیهوده ناشی از راحت طلبی، ضد این را تلقین می‌کنند.

ایمان زاینده مثل سرچشمه فیاض، عمل میزاید. ایمان همراه با تعهد، باری بر دوش مومن می‌گذارد و به دنبالش عمل خواهد بود. در قرآن هم تعبیر ایمان با عمل صالح آمده، چون ایمان بی‌تعهد که همراهش مسئولیتی نباشد نه به درد دنیا می‌خورد و نه عقبی.

در این باره قرآن می‌گوید «انتم الاعلون ان کنتم مومنین» اگر می‌بینید مومنین برتر نیستند بواسطه آنست که ایمانشان با عمل همراه نیست.

اگر ایمان با تعهد و عمل همراه نبود منتظر نتیجه هایش هم نباش. منتظر نصرت در دنیا نباش. منتظر امنیت در دنیا نباش. پندارهای بیهوده ناشی از راحت طلبی، ضد این را تلقین می‌کنند. مثلاً فرمول درست کنیم که رفتن بیکاره‌ی تبلی را به بهشت نتیجه می‌دهد. روایت است که شفاعت ما نمی‌رسد مگر به کوشش و جد و جهد؛ و این دقیقاً در تقابل است با تبلی، زانوی غم بغل گرفتن و غم گذشته و آینده را با بی‌غیرتی خوردن.

امام سجاد شبی گریه می‌کردند؛ فردی به ایشان گفت شما که فرزند پیغمبر و علی و فاطمه و حسین هستی. شما چرا گریه می‌کنی؟ گریه را برای ما بگذار! حضرت فرمودند چه می‌گویی؟ بیانداز دور صحبت پدر و مادر و جد را. بهشت از آن فرمانبران است.

سالها روی مسلمین کار شده که فکر کنند برای مسلمان بودن دل پاک لازم است نه عمل پاک. حتی معاویه هم وصیت می‌کند که ناخن و ذرات موی پیغمبر را در قبرش بگذارند. یعنی حتی معاویه هم به امید شفاعت پیغمبر

کار می‌کند و تا جایی که آسان است و مایه‌ای ندارد به قرآن هم گوش می‌دهد. ای ملت اسلام! خدا شما را مثل دردانه‌های ناز پرورده‌ای جدا نکرده که اگر گناه و اشتباه هم کردید به بهشت ببرد. این نگاه یهود هم بود؛ دوستی و ولایت در گرو عمل به فرمان خداست. مسلمانان هرچند شایسته‌ترین اند، اما اگر بار امانت را برندارند، در دنیا مورد خواری و خشم خدا قرار گرفته و در آخرت هم جهنم برایشان برپا می‌شود. شبیه آنچه برای بنی اسرائیل رفت. مسئول مستقیم شما پیغمبر است و مسئول همه بشریت شماست. شما دیده بان قافله‌اید! خواب نمانید و جز خدا از هیچ قدرت دیگری ترسید.

تعهد ایمان، همیشگی و همگانی



تعهدات یک فرد مومن گاه گاهی و دل بخواهی نیست. ما به آنهایی که ایمان و عمل را تا آنجا می‌خواهند و دوست می‌دارند که به سود شخص آنهاست و با نام ایمان و تظاهر به عمل می‌توانند بهره‌ای ببرند، صفت نفع طلبان را دادیم. این افراد از نظر اسلام مومن نیستند، بدون هیچ تعارفی. آیه‌ی قرآن به صراحت اعلام می‌کند که اینها ایمان ندارند. این یک حقیقت است، «تعهدی که باید با ایمان همراه باشد، همیشگی و همگانی است.»

این که من در برابر یک پدیده کوچک و بی‌دردسر که برخلاف ایمان و مشی اسلام و پیامبر است، به تمام معنا نمایش یک مسلمان واقعی و مستحکم بر عقیده را داشته باشم، اما وقتی با یک پدیده بزرگتر که باز برخلاف همان ایمان و مشی اسلامی است ولی مقابله و ایستادگی در برابر آن پر دردسزتر است مسئولیت‌م را فراموش کنم، خطاست. تعهد حاصل از ایمان، همگانی، همه‌جایی و همیشگی است.

امام محمد باقر (ع) در حدیثی به این اصل اشاره دارند که کسانی هستند که به نماز و روزه که بی‌دردسر و کم‌مایه است رو می‌آورند، اما به امر به معروف و نهی از منکر

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



یک مثال مهم که در مدل دین داری اش اصل همگانی، همه جایی و همیشگی بودن را ندارد، اسلام معاویه ای است. اگر قرار است کسی که یک مقدار از دین را متعهدانه می پذیرد و مقدار دیگرش را نمی پذیرد را مومن بدانیم، بگذارید اول معاویه را مومن بدانیم؛ چون معاویه هم به همین طریق به نماز و روزه بشدت اظهار پایبندی می کرد.

که پر دردسر و به ظاهر پر ضرر است، اقبالی ندارند. یک مثال مهم که در مدل دین داری اش اصل همگانی، همه جایی و همیشگی بودن را ندارد، اسلام معاویه ای است. اگر قرار است کسی که یک مقدار از دین را متعهدانه می پذیرد و مقدار دیگرش را نمی پذیرد را مومن بدانیم، بگذارید اول معاویه را مومن بدانیم؛ چون معاویه هم به همین طریق به نماز و روزه بشدت اظهار پایبندی می کرد. اما آن جایی که دین می گوید فکر و عقل و آگاهی مردم باید رشد کند، آن جایی که اسلام به او حکم می کند که گرسنگی و اختلاف طبقاتی را از میان جامعه بردار، تبعیض روا مدار، ستمگران بی وجدان را بر مردم مگمار، مردم را به سوی جهنم مکشان و دچار عذاب آخرت و دنیا منما و... آنجا دیگر معاویه با دین فرسنگ ها فاصله دارد.

چون جایگاه بینش و خرد و آگاهی مردم در دین بسیار با اهمیت است. دین در برابر هر عاملی که جلوی بصیرت و درک و عقل و آگاهی مردم را می گیرد، می ایستد و مبارزه می کند. دین حقیقی این است.

آن دینی که برخی می گویند مخدر و افیون ملت هاست چیز دیگری است. اسلامی که با کفر می جنگد با این چنین دینی نیز می جنگد. امیرالمومنین می فرماید پیغمبران را خدا فرستاد تا گنجینه های عقل و خرد را در درون مردمان برانگیزند. پس هر چیزی که این دفینه های عقول را دفن تر کند، نیروی خرد و فکر انسانها را زیر خروارها عصبیت یا پندار باطل دفن تر کند، درست نقطه مقابل

فلسفه بعثت انبیاست و معاویه چنین جایگاه تقابلی با اصل دیانت داشته. او در جایی به ابن عباس می گوید قرآن نخوان، یا اگر میخوانی تفسیر نکن، یا اگر تفسیر می گویی، تفسیری که از طریق علی (ع) به تو رسیده است را به مردم نگو. معاویه نمیخواهد مردم قرآن را بفهمند. هرچه مردم کمتر بفهمند، به نفع معاویه است. لذا اگر بخواهیم غیر از سایر ظلم ها و آدم کشی های معاویه به او بپردازیم، این جنایت او که به جای جلو بردن کودک نورس جامعه اسلامی، آن را از لحاظ فکر و بینش و اخلاق به عقب برد به مراتب خطایی بزرگتر بود.

نوید ها



برای اینکه ارزش ایمان و نتیجه آن را بدانیم لازم است از مزده ها و نوید هایی که خدا به مومنین داده است آگاه شویم و ببینیم خدا برای مومن در مقابل ایمان و عمل شایسته اش چه چیزی را تعهد می کند. انسانی که عادت به دادوستد کرده است، دوست دارد ببیند مبادله او با خدا به چه صورت است. این مسئله از نظر کسی که میخواهد در وادی ایمان، ثابت قدم و راسخ باشد موضوع خواستنی و امید بخشی است.

اما همانطور که گفته شد شرط این دادوستد رعایت ایمان با سه ویژگی آگاهانه، زاینده تعهد و عمل و همیشگی بودن است. یعنی هر ایمانی که شرایط فوق را دارا باشد خداوند به عنوان بزرگترین و برترین مشتری آن ایمان را خریداری میکند.

در مقابل خداوند وعده هایی را به کسانی که به ایمان حقیقی برسند داده و برخی نعمت های موجود در این راه را معرفی می کند. این نعمتها ذیل مفهومی به نام سعادت معرفی می شوند. این نعمات و نوید ها برای سعادت مندی هر انسانی لازم است، حتی یک انسان مادی گرا. به عبارت دیگر، هر انسانی که بخواهد مسیر پیروزی و اهداف والای خود را بسیماید (مبارزه کند) اگر امکان دسترسی و استفاده از این نعمات را داشته باشد، در مسیر خود مصمم تر گام برمی دارد.

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



همانطور که گفته شد شرط این دادوستد رعایت ایمان با سه ویژگی آگاهانه، زاینده و تعهد و عمل و همیشگی بودن است. یعنی هر ایمانی که شرایط فوق را دارا باشد خداوند به عنوان بزرگترین و برترین مشتری آن ایمان را خریداری میکند.

این نویدها چیست؟ آدمی برای بهره مند شدن از سعادت به چه چیزهایی محتاج است؟ محتاج است به اینکه:

(۱) هدف و سرمنزل سعادت را بشناسد و راه آن را بداند (هدایت)

(۲) پرده‌های جهل و غرور و پندارها و هر آن چیزی که گوهر بینش و خرد او را در حجابی ظلمانی می‌پیچد و نیروی دیدن و فهمیدن را از او می‌گیرد، زایل گردد و شعاعی از نور حقیقت بر دل او بتابد (نور)

(۳) در راه طولانی اش بسوی سعادت، از دغدغه‌ها و وسوسه‌های درونی که توان فرساتر از عاملهای بازدارنده‌ی بیرونی است برهد. (اطمینان و امن)

تجربه نشان داده وقتی جلوی راه رهرویی را بگیرند، او در پیمودن این راه حریص تر می‌شود. شوقش بیشتر می‌شود. این عامل بیرونی است. اما یک وقت است از درون انسان را دچار تردید می‌کنند. جلوی راه را نمی‌بندند. راه باز است. اما توان و اراده رفتن زایل شده. این بدتر است. میگویند چرا می‌روی؟ چه فایده‌ای دارد؟ شاید نرسیدی! پس کی؟ پس کو؟ چه شد؟ این تردیدها و تزلزلها حتی خواص را هم می‌لغزاند.

آیه‌ای مهم درباره این نوید وجود دارد: «الذین امنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب»* الذین امنوا و عملوا الصالحات طوبی لهم و حسن ماب» دل آرام بودن به این معنا نیست که در میدان جنگ کفش هایش را می‌گذارد زیر سرش و دراز می‌کشد و می‌خوابد؟

نه! اطمینان به این معناست که مضطرب نیست. مشوّش نیست. آینده برایش روشن است. می‌داند که او پیش خواهد رفت. لذا نمی‌هراسد. این دل و روح آرام است. انسان که می‌خواهد در راهی و هدفی پا نهد، ده‌ها انگیزه ممکن است او را از پیمودن راه و هدف بازدارد؛ طمع به راحت طلبی، عافیت طلبی، فرصت طلبی و... چه در هنگام انتخاب و شروع و چه هنگام طی کردن مسیر، باز از این کشش‌ها رها نمی‌شود. مدام این خارها دامنش را می‌گیرند و او را به سوی خود جذب می‌کنند. از آن طرف هم آن هدف و انگیزه‌های متعالی انسان را به جانب خود می‌کشند. این انسان اگر متزلزل و نامطمئن باشد مثل یک زورق کوچک مدام به این طرف و آن طرف می‌رود بدون هیچ ثباتی. اما یک انسانی هم هست که یک جاذبه و کشش متعالی و قوی (ایمان به خدا) چنان دل او را مجذوب خود کرده که این جاذبه‌های کوچک در مقابل آن جاذبه بزرگتر پوچند و بی‌تاثیر، اطمینان به این معناست. پس آرامش دل و طمأنینه به معنی بی‌تحركی نیست بلکه یک ثباتی است که باعث می‌شود رهرو با سرعت هر چه تمام‌تر به سوی مقصود حرکت کند.

۴) تلاش خود را ثمربخش بداند و امیدوار باشد که این تلاش به جایی می‌رسد اگر رهرو ثمربخش بودن راهی را که طی می‌کند و گامهایی که برمی‌دارد را دانست و احساس کرد که این کارها از بین نمی‌رود و عملش ضایع نمی‌شود و بداند که بر این حرکت یک اثری مترتب می‌شود، اگر به اینها معتقد بود قطعاً سریعتر این مسیر را طی خواهد کرد، بهتر کار خواهد کرد و خستگی اش هم کمتر خواهد بود. اما اگر این را معتقد نبود و اوایلا. مومن کار خودش را ثمربخش میدانند و قرآن به او این اصل را آموخته است.

۵) لغزشها و خطاهایش قابل جبران و مورد بخشایش باشد (مغفرت و رحمت)

۶) در همه حال از دستاویز و تکیه‌گاهی مورد اطمینان برخوردار باشد
آدمی که نقشه جامع راه را در جیش گذاشته و وارد راه شده می‌داند که اگر احیاناً یک وقتی راه را اشتباهی گم کرد و رفت، این نقشه را دارد و از آن استفاده می‌کند. همه‌جا یک مستمسک و مستعصمی وجود دارد که می‌تواند به او چنگ بزند و

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



یک انسانی
هم هست که
یک جاذبه و
کشش متعالی و
قوی (ایمان به خدا)
چنان دل او را
مجذوب خود کرده
که این جاذبه‌های
کوچک در مقابل
آن جاذبه بزرگتر
پوچند و بی تاثیر،
اطمینان به این
معناست.
پس آرامش دل و
طمأنینه به معنی
بی تحرکی نیست
بلکه یک ثباتی
است که باعث می
شود رهرو با سرعت
هر چه تمام‌تر
به سوی مقصود
حرکت کند.

رهایی یابد.

۷) در مواجهه با دشمن‌ها و دشمنی‌ها از نصرت و مدد
خدا برخوردار گردد

۸) بداند که بالاخره در برابر جبهه‌ها و صف‌های مخالف
برتری و رجحان برای اوست

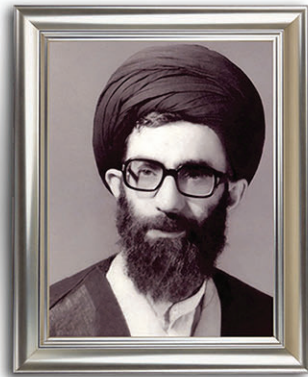
۹) بر دشمنان راه و هدفش - که مانع و خشی‌کننده ی
تلاش اویند - پیروز گردد

۱۰) عاقبت از همه سختی‌ها و فشارها و بندها و حصارها،
رسته و به مقصود و منظور خود نائل گردد (فوز و فلاح)

۱۱) در همه حال - در راه و سرمنزل - از ذخیره‌هایی که
برای آدمی در این جهان مهیا گشته، بهره‌مند و برخوردار
گردد

۱۲) پس از سپری شدن دوران زندگی و پایان یافتن همه
تلاشها، خود را با پاداشی شایسته روبرو بیند و در بهشت
نعمت و رضوان بیارامد

خداوند این همه را به دارنده ایمانی تعهدآمیز و توام با
عمل نوید می‌دهد.



بنده یک ماه رمضان در مسجد امام حسن مشهد سخنرانی مسکتمرن سى جلسهای داشتم . . آن زمان به ضبط سخنرانی ها خیلی اهمیت داده نمی شد؛ اما استثنائاً همه این سى سخنرانی ضبط شده است. این سخنرانی ها منبع خوبی برای مچگیری ماست! در آن سخنرانی ها راجع به توحید، امامت، ولایت، نبوت و سایر مباحث اساسی بحث شده است که الان هم آنها را تأیید می کنم. اینها پایه های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی بود؛ اگرچه ما آن موقع امیدوار نبودیم که نظام اسلامی شش، هفت سال دیگر محقق شود. می گفتیم اگر پنجاه سال دیگر هم ایجاد نشود، بالاخره پایه های فکری اش اینهاست. آن کار، جهت دادن به فکر نسل جوان آن روز بود.

رهبر انقلاب؛ ۸۱/۴/۴